



## درآمدی بر مبانی تکافل و تأمین اجتماعی در اسلام

پدیدآورنده (ها) : حاج حسینی، حسن

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: تیر ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۹ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۵۵ تا ۶۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/478949>

دانلود شده توسط : پژوهشکده بیمه

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت های آن برای الگوهای نوین
- تأمین اجتماعی در قرآن
- ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام
- سازوکارهای تأمین اجتماعی در رهیافت اسلامی
- تأمین اجتماعی در اسلام؛ مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی
- سیاست های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی
- تأمین اجتماعی در عهدنامه ی مالک اشتر
- حضانت کودکان از نگاه فقه و حقوق
- بررسی مبانی حقوقی بازتوزیع مازاد بیمه تکافل
- آثار فرزند آوری با تأکید آیات و روایات در سبک زندگی اسلامی
- بررسی تطبیقی نظریات «عدالت» شهید صدر و جان رالز
- نقش موقوفات اصفهان در تکافل اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی

## عناوین مشابه

- نقدی بر مبانی نظری و الگوهای متعارف نظام تأمین اجتماعی در جامعه روستایی
- درآمدی بر مفهوم، مبانی و انواع حقوق شهروندی در اسلام
- درآمدی بر روش شناسی کاربرست نظریه های علوم اجتماعی در سیاست گذاری فرهنگی با مروری بر اصول و مبانی اندیشه صدراپی
- ایلاف قریش و تاثیر آن بر حیات اقتصادی و اجتماعی مکه در روزگاران پیش از اسلام
- بررسی آثار مالی وقوع زلزله در سطح تهران بزرگ بر مبنای و مصارف سازمان تأمین اجتماعی (با تکیه بر خسارات فیزیکی)
- تحلیلی کلی بر سیر تطور ساختاری تأمین اجتماعی در ایران و تبیین عوامل مساعد و نامساعد توسعه آن
- درآمدی بر تأمین مالی و سرمایه در گردش بنگاه ها با تأکید بر روش های غیر بانکی
- ویژه برنامه پنجم: تأکید بر اجباری کردن بیمه پایه سلامت برای کل کشور در برنامه پنجم / کار گروه مشترک اجتماعی و اداری برنامه پنجم (کارگروه رفاه و تأمین اجتماعی)
- بررسی تطبیقی روش پژوهش کمی و کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر مبانی پارادایمی آنها
- بررسی و ارزیابی تأثیر سرمایه ی اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی؛ (مطالعه ی موردی: شهرستان اسلام آباد غرب)

درآمدی بر

## مبانی تکافل و تأمین اجتماعی در اسلام

حسن حاج حسینی\*

### چکیده

امروزه در علوم اجتماعی موضوع تأمین و تکافل اجتماعی که به طور کلی، با عنوان «خدمات اجتماعی» از آن یاد می‌شود بحثی اساسی و کاربردی است. مسأله اصلی این است که دین درباره تأمین اجتماعی چه تعریف و راهبردهایی را ارائه می‌دهد. هدف این نوشتار، ارائه مباحث اساسی موضوع خدمات و تأمین اجتماعی از منظر مبانی دینی است. با کنکاشی در آموزه‌های دینی، این مطلب استفاده می‌شود که دین همان‌گونه که برای حیات فردی انسان برنامه دارد، در خصوص چگونگی زیست اجتماعی، راه‌های تعاون و همکاری، و همبستگی اجتماعی بر اساس راه‌های مقبول در نزد عقلا و نیز برخی راهبردهای تأسیسی برای رفع نیازهای مادی و روحی افراد جامعه نیز برنامه دارد. روش انجام این مقاله توصیفی با استفاده از اسناد و مدارک دینی است.

مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق این است که از منظر دین، تکافل اجتماعی حقی است همگانی که از سوی جامعه و حکومت به رسمیت شناخته شده و به وسیله راهبردهای سلبی و ایجابی برای حمایت از همه افراد جامعه به منظور تأمین نیازهای عالی و غیرعالی حیات طیبه بخصوص به هنگام بحران تعبیه شده است.

کلیدواژه‌ها: خدمات اجتماعی، تکافل اجتماعی، تأمین اجتماعی، منابع تکافل، راهبردهای تکافل، حیات طیبه.

## مقدمه

اجتماعی بر تعاون و همیاری و احسان به یکدیگر نهاده شده است. اصولاً رمز اینکه انسان به جامعه پناه آورده به همین دلیل است که اولاً، به تنهایی قادر نیست نیازهای خود را برآورده کند. ثانیاً، به هنگام بروز خطر یاور و کمک‌کار داشته باشد. از این‌رو، همواره در جامعه چنین بوده است که انسان‌ها به هنگام بروز خطر و مشکل به وسیله انواع و اقسام راهبردها و سیاست‌های گوناگون از یکدیگر حمایت می‌کردند. بنای عقلا در طول تاریخ چنین بوده است و دولت‌ها با برنامه‌ریزی، هدایت، سامان‌دهی، و اختصاص منابع خاص، موضوع تکافل و خدمات اجتماعی و به طور کلی، ایجاد رفاه را جزو وظایف و کارکردهای خود به شمار آورده‌اند.

اسلام نیز به عنوان یک دین کامل و جامع که هم برای نیازهای مادی انسان و هم برای نیازهای معنوی او برنامه دارد، نه تنها با بسیاری از این برنامه‌های عرفی و عقلانی مخالفتی نکرده است، بلکه بسیاری از آنها را با اعلان وجوب یا استحباب جزو وظایف همه افراد جامعه و حکومت قرار داده است.

امروزه یکی از کارکردهای مهم حکومت‌ها را تأمین رفاه اجتماعی و برخورداری افراد جامعه از مواهب مادی - معیشتی می‌دانند، به گونه‌ای که از حقوق اولیه افراد جامعه برخوردار از حداقل مواهب زندگی است. در اندیشه اسلامی، لازمه حیات طیبه برخوردار از سطح معیشت مناسب‌شان هر فرد تعریف شده است. اصولاً یکی از اهداف و وظایف حکومت تأمین نیازهای مادی است. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از به دست گرفتن قدرت آموزه‌های والایی دارد که یکی دیگر از ابعاد نظام سیاسی اسلام را روشن می‌کند: «ما أصْبَحَ بالكوفةِ أَحَدٌ و إن أدناهم منزلةً إلا لیأكلَ الثُّرَّ و یجلسُ فی الظِّلِّ و یشربُ

از منظر فلسفه سیاسی، یکی از کارکردهای اساسی هر حکومتی ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی است. تکافل و تأمین اجتماعی در یک تعریف عبارت است از: رفع فقر، کم کردن فاصله بین افراد ثروتمند و فقیر، ایجاد امنیت روانی، حمایت از مردم به هنگام خطر و بروز مشکل، درمان بیماری‌ها و اموری نظیر آن.

از سوی دیگر، باید دانست که افراد جامعه نسبت به هم چه مسئولیتی دارند؟ آیا همه آن کارکردها ناظر به وظایف دولت و حاکمیت است؟ مسئولیت افراد برخوردار در این زمینه چیست؟ و یا راهکارهای رفع فقر و نابرابری در اسلام چیست؟ سؤالاتی از این دست، از جمله سؤال‌های اساسی این حوزه علمی است که باید بدان‌ها پاسخ داد.

هم تجربه تاریخی جهان اسلام و هم نگاهی به مبانی و مبادی منابع دینی، نشانگر آن است که اسلام برای همه ابعاد وجودی انسان برنامه دارد و از بعد مهم و اساسی چگونگی تأمین نیازهای آتی و آتی او غافل نشده است. اصولاً تأمین همگان به لحاظ مادی - معیشتی و ایجاد رفاه اجتماعی، از کارکردهای مهم حکومت اسلامی است. ضرورت پژوهش از این جهت است که با تشکیل حکومت اسلامی بعد از چند سده فترت، این انتظار بجا شکل گرفت که حکومت اسلامی ناظر به موضوع تأمین و تکافل اجتماعی چه نگرش و برنامه‌ای دارد. در بدو امر، با درج این موضوع در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی - از جمله اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ - جایگاه مسئله روشن شد.

## تاریخچه موضوع

ابتدا لازم است به این نکته اشاره شود که اساس نظام

ین مأ الفرات»<sup>(۱)</sup> احمدی در کوفه نیست - هرچند از پایین‌ترین طبقه مردم باشد - مگر اینکه گندم می‌خورد، در سایه می‌نشیند و از آب فرات می‌نوشد. به عبارت دیگر، از تمام شاخص‌های رفاه اجتماعی آن‌روز برخوردار بوده است.

### تاریخچه خدمات اجتماعی

به طور کلی می‌توان دو حوزه تاریخی معطوف به موضوع یاد کرد: ۱. خدماتی که افراد جامعه به هنگام نیاز و اضطرار به همدیگر ارائه می‌دادند. ۲. خدماتی که دولت‌ها برای شهروندان در قالب انواع و اقسام بیمه‌ها و قراردادهای ارائه می‌دادند.

برداشت ساده و اولیه از موضوع خدمات اجتماعی بیانگر این نکته است که پیش از تشکیل دولت‌ها و جوامع گسترده، به صرف حضور انسان در گروه‌های کوچک اجتماعی از او حمایت می‌شد و به هنگام بروز خطر، از وی پشتیبانی به عمل می‌آمد. به علت سادگی روابط و مناسبات اجتماعی، این خدمات به صورت ساده و سازمان‌نیافته ارائه می‌شد. به تدریج با توسعه جوامع و شکل‌گیری حکومت‌ها و دولت‌های سستی، مفهوم خدمات اجتماعی معنای نویی به خود گرفت. با پیچیده شدن روابط اجتماعی، ظهور اقتصاد سرمایه‌داری و یا حتی آریاب - رعیتی و گسترده‌گی جوامع، خدمات اجتماعی شکل جدیدی پیدا کرد که عمدتاً به وظایف حکومت بود. خلاصه اینکه تشکیل جوامع شهری و ایجاد اجتماعات بزرگ مقلّمه‌ای در جهت به وجود آمدن شرایطی بود که به «دولتی شدن» و «نهادی شدن» برنامه‌های اجتماعی انجامید. مهاجرت‌ها، جنگ‌ها، بروز بیماری‌های فراگیر و بعضاً صعب‌العلاج، و ازدیاد بی‌سرپرستان، لزوم فراگیر شدن خدمات اجتماعی را نشان می‌داد.

نظام سرمایه‌داری جدید و انقلاب صنعتی به خطرات تبعات اجتماعی‌اش ضرورت مسئله را دوچندان می‌کرد. به همین دلیل، مؤسسات و نهادهای دولتی و بین‌المللی در این زمینه قوانینی را وضع کردند که از افراد نیازمند حمایت کند.<sup>(۲)</sup>

### مباحث مفهومی

لازم است در ابتدا چند مفهوم اساسی بحث را تبیین نماییم.

۱. خدمات اجتماعی: این اصطلاح مرکب از دو کلمه «خدمات» (جمع خدمت) و «اجتماعی» (منسوب به اجتماع) تشکیل شده است. در این ترکیب، کلمه اجتماع مترادف جامعه است و از لحاظ معنا فرقی با هم ندارند. معادل و مترادف آن در انگلیسی «social services» می‌باشد. منظور از خدمات در اینجا یعنی: کاری را برای کسی انجام دادن. و چون به کلمه اجتماع اضافه شده است، منظور کار و خدمتی است که در ظرف اجتماع و مناسبات انسانی تحقق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، بدون حضور در جامعه خدمت به دیگران معنا و مفهومی ندارد.<sup>(۳)</sup>

۲. تأمین اجتماعی: یکی از ابزارها و وسایل تحقق رفاه اجتماعی است. تأمین اجتماعی همان ترمیم جبران خسارات و حمایت از افراد جامعه است.

تأمین اجتماعی طبق یک تعریف، بیانگر تأمین درآمدی است که به هنگام قطع درآمد به عللی از قبیل بیکاری و حادثه، جایگزین آن می‌شود. به طور کلی، تأمین اجتماعی یعنی: تأمین حداقل درآمد.

۳. بیمه‌های اجتماعی: بیمه اجتماعی به عنوان جزئی از تأمین اجتماعی، عبارت از حمایت نیروی انسانی (شاغلان) در مقابل برخی حوادث و سوانح اجتماعی است که در قالب قرارداد اعمال می‌شود.

نکته بسیار مهم این است که تکافل اجتماعی، که از مبانی دینی قابل فهم است، صرفاً برای برآورده ساختن سه نیاز (مسکن، غذا و پوشاک) نیست، بلکه شامل تمام نیازهای مادی و معنوی انسان می‌گردد.<sup>(۷)</sup>

#### اقسام تکافل اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی کلی، تکافل به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. تکافل به معنای عام، که معادل و برابر با موضوع ضمانت و خدمات اجتماعی است که همه افراد جامعه در کنار حاکمیت در قبال هم مسئول هستند.

۲. تکافل به معنای خاص، که معادل تأمین اجتماعی به معنای امروزین خود است.<sup>(۸)</sup>

#### انواع تکافل اجتماعی

تکافل با معنای وسیعی که ذکر شد انواع مختلفی دارد که به طور خلاصه بیان می‌گردند:

۱. تکافل سیاسی: تکافل سیاسی عبارت است از نظارت و مراقبت و حساسیت افراد جامعه نسبت به مسائل سیاسی جامعه و امر به معروف و نصیحت و خیرخواهی اولیای امور سیاسی جامعه نسبت به سرنوشت و آینده جامعه.

۲. تکافل دفاعی: تکافل دفاعی بدین معناست: بر هر مسلمانی که تحت حاکمیت دولت (اسلامی) است واجب است همراه با سایر هم‌وطنان خود هرگاه دشمن به کشور اسلامی حمله کرد، در جبهه جنگ حاضر شود. دستور صریح قرآن کریم در این زمینه، چنین است: ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا﴾ (نوره: ۴۱) و هیچ چیز مانع ترک این وظیفه اجتماعی - دفاعی نمی‌شود، مگر مرض یا عسر یا حرج.

۳. تکافل اقتصادی: تکافل اقتصادی آن است که افراد جامعه در حفظ ثروت و دارایی خود حساس باشند؛ به نوعی که

۴. رفاه اجتماعی: با عنایت به تعاریف مختلف ارائه شده در زمینه رفاه اجتماعی و با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، می‌توان رفاه اجتماعی را چنین تعریف کرد: «رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد.»<sup>(۹)</sup>

۵. حمایت یا ضمانت اجتماعی: مجموعه خدماتی است که به افراد کم‌درآمد و نیازمند در شکل‌های مختلف و به صورت غیربیمه‌ای ارائه می‌شود.

۶. تکافل اجتماعی: معانی و تعاریف متعددی از تکافل شده است که البته به لحاظ مفاد و مفهوم اصلی و نهایی یکی است. ناصح علوان تکافل اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند:

تکافل اجتماعی آن است که افراد جامعه همدیگر را ضمانت و پشتیبانی نمایند، چه به صورت فردی و یا به صورت جمعی، به وسیله راهبردهای ایجابی (مثل سرپرستی یتیم) یا سلبی (مثل تحریم ربا) به انگیزه شعور و وجدان باطنی که از عمق و مبنای اعتقاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد انسانی در پناه کفالت و حمایت جامعه زندگی کند و جامعه به کمک فرد بیاید، از آن حیث که همه، همدیگر را کمک می‌کنند تا جامعه برتر تشکیل شده و ضرر و آسیب افراد دفع گردد.<sup>(۱۰)</sup>

تکافل یک امر دو طرفه است؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند؛ تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی.<sup>(۱۱)</sup>

مسئولیت دارد، ولی اگر شناخته نشود و یا توان بازپرداخت آن را ندارد، عائله او باید بدهند و یا بیت‌المال باید ادا کند. به طور کلی، باید توجه داشت که از نظر اسلام، هیچ کس به سبب ادای دین نباید به زندان برود. دستگاه قضایی باید آنقدر به لحاظ اجرایی و اطلاعاتی توانمند باشد که بداند شخص مدیون آیا توان ادای دین - دیه یا قرض - خود را دارد یا ندارد. اگر تشخیص داد این توانایی را دارد، باید بلافاصله از او گرفته و به طلبکار بدهد و اگر فرد مدیون را ناتوان از پرداخت دین خود دید، وی را آزاد نماید و خود از بیت‌المال آن را پرداخت کند.

۸ تکافل اخلاقی: تکافل اخلاقی همان نظارت و مراقبت اجتماعی به نحو عام و فراگیر است تا جامعه از انحطاط اخلاقی و فرو رفتن در انحرافات و فساد حفظ شود. بر این اساس، بر همه افراد جامعه لازم است هر جا منگری را دیدند از آن نهی کنند و این با آزادی‌های فردی هم منافات ندارد؛ زیرا محدوده آزادی تا جایی است که بنیان خانه محفوظ بماند و کسی که در جامعه مراعات اخلاق را ننماید، احترامی ندارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی که مشغول تخریب جایگاه خود در کشتی بود نهی می‌شد، از غرق شدن کشتی جلوگیری می‌شد. (۱۱)

۹ تکافل عبادی: برخی از واجبات و شعائر در اسلام هستند که از آنها به «واجب کفایی» یاد می‌شود؛ مثل نماز میت. این بدان معناست که برای بالا بردن روحیه اخوت و تعاون همه افراد جامعه - به نحو کفایی - وظیفه دارند همدیگر را تکافل و حمایت کنند. (۱۲)

### مبانی تکافل اجتماعی

در این قسمت، مبانی تکافل را در چند محور به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌دهیم.

نه اسراف و تبذیر کنند، نه احتکار و نه غش در معامله، و کالا را به قیمت مناسب عرضه کنند.

دولت اسلامی مجاز است در صورت احتکار، وارد عمل شده و اموال محتکران را ضبط کرده و به قیمت مناسب به فروش برساند.

همچنین سفاهت و مجانین و اطفال حق تصرف در مال خود را ندارند.

۴ تکافل معاش: این همان چیزی است که امروزه آن را تأمین و رفاه اجتماعی می‌نامند؛ مسئولیت اجتماعی همه افراد جامعه نسبت به فقرا و نیازمندان. این مسئولیت باید کریمانه ادا شده، به نحوی که با کرامت انسانی افراد نیازمند منافات نداشته باشد.

۵ تکافل شخصیتی: تکافل در شخصیت و ادب اجتماعی آن است که هر فرد در جامعه احساس کند دیگران به او نوعی علاقه و محبت دارند و افراد از یکدیگر تنفر ندارند و با او به نحو احسن و بر اساس اخلاق و کرامت برخورد می‌کنند؛ آنچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «احبب للناس ما تحب لنفسک»؛ (۹) آنچه را که خودت دوست داری برای مردم هم دوست داشته باش.

۶ تکافل علمی: مراد از تکافل علمی آن است که شرایط به گونه‌ای فراهم باشد که هر کسی در جامعه به دنبال فراگیری دانشی مفید به حال جامعه است مانع و رادعی نداشته باشد.

اهل علم نباید علم خود را از طالبان علم دریغ کنند تا انحصار علمی در جامعه به وجود نیاید. در روایت نیز آمده است که هر کس علمی را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت او را با آتش لجام (لگام) خواهد زد. (۱۰)

۷ تکافل جنائی: مفهوم تکافل جنائی در بردارنده این معناست که دیه هیچ مقتول - به ناحق - در جامعه اسلامی هدر نمی‌رود. اگر قاتل شناخته شده باشد، خودش

## ۱. محور اول. مبانی قرآنی تکافل

در قرآن کریم ادله متعددی مبنی بر تعاون و تکافل اجتماعی آمده است که تکلیف یک فرد مسلمان را در جامعه در تعامل با دیگران روشن می‌نماید. در ذیل، به برخی از آیات در این زمینه اشاره می‌شود:

الف. اصل تعاون و همکاری: بنای اولیه و قاعده مبنایی در جامعه اسلامی تعاون و همکاری افراد با یکدیگر است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (۱۳) در این آیه، مبنای مشارکت جمعی بر تعاون در امر خیر و تقوا گذاشته شده و در مقابل، از تعاون و همدستی در امر شر (گناه) و ستم‌پیشگی نهی شده است.

ب. اصل احسان و نیکوکاری: حس همکاری و گشاده‌دستی نسبت به اطرافیان و نیازمندان، یکی دیگر از اصول قرآنی است: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلِئًا فَخُورًا الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (نساء: ۳۶-۳۷)

آیه مزبور، بر احسان و تکافل بر این موارد تأکید می‌کند: احسان به والدین، نزدیکان، یتیمان، مساکین (نیازمندان شدید)، همسایگان، در راه‌ماندگان، و بخل نورزیدن.

در عظمت موضوع همین بس که احسان و نیکوکاری و تکافل در کنار امر به توحید و شرک نورزیدن به خدا، قرار داده شده است و در پایان، به کسانی که نسبت به آنچه خدای متعال به آنها داده انفاق نمی‌کنند، وعده عذاب داده است. گویی کسانی که از ثروتی برخوردار هستند نگاه استقلالی به ثروت دارند نه نگاه واسطه‌ای؛ به نوعی که فکر می‌کنند آن را مستقلاً با صرف تلاش و کوشش

شخصی خود به دست آورده‌اند و از علم و دانش خود بهره‌گرفته‌اند و هرگونه که بخواهند می‌توانند مصرف کنند و به کسی چیزی ندهند. قرآن کریم این منطق را به شدت رد می‌کند و آن را منطق قارونی معرفی می‌کند که گفت: ﴿إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾ (نمص: ۷۸)، در حالی که یک انسان موحد به مال و ثروت نگاه ابزاری دارد که خداوند - به عنوان مالک - همه چیز را موقتاً در اختیار او گذاشته تا هم‌خود استفاده کند و هم به دیگران بهره برساند. ج. اصل عدالت: یکی از وظایف و کارکردهای حکومت اسلامی تحقق عدالت اجتماعی است. عدالت در اینجا بدین معناست که همه افراد جامعه از حقوق تعریف شده برخوردار باشند. یکی از آن حقوق تأمین نیازهای اساسی فرد برای داشتن زندگی سعادت‌مندانه است. عدالت اقتضا می‌کند این نیازها از راه‌های قانونی و مشروع از ابتدای زندگی تا به هنگام مرگ و در همه احوال و شرایط زندگی تأمین گردد. نیازهای مادی - معیشتی و نیز نیازهای روحی و معنوی هنگامی به نحو مناسب تأمین می‌گردد که عدالت در جامعه گسترده شده باشد، در غیر این صورت، اختلاف در سطح برخورداری، همیشه بین طبقات مختلف جامعه وجود خواهد داشت.

## ۲. تکافل در سیره و روایات

در سیره و سنت اولیای الهی موارد بسیاری می‌بینیم که تکافل و تعاون را در حد اعلا به تصویر کشیده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی که در رأس حاکمیت نبود با فعالیت‌های زیاد اقتصادی دایم در حال آباد کردن زمین و ایجاد نخلستان و حفر قنات بود و آنها را برای فقرا و مستمندان وقف می‌کرد و از اموال شخصی خود همواره زیاد بذل و بخشش می‌نمود. زمانی هم که به حاکمیت رسید، طبق نص و فرمایش صریح خود، هیچ‌کس در مرکز



عبارت دیگر، علاوه بر بنای عقلا (سیره عقلا) عقل نیز آن را تأیید می‌کند.

روشن است جامعه‌ای قوی محسوب می‌شود که روحیه تعاون و همکاری بر افراد حاکم باشد، به گونه‌ای که قوام جامعه از هم پاشیده نگردد. از سوی دیگر، می‌دانیم تأمین حداقل زندگی و ضروریات حیات اجتماعی (مثل بهداشت، مسکن و...) برای همه افراد جامعه ضروری و لازم است. حال اگر ضروریات زندگی افراد تأمین شود، جامعه به سوی کمال، آرامش و اصلاح به پیش می‌رود، ولی اگر افراد دغدغه خاطر تأمین ضروریات زندگی خود را داشته باشند به سمت فساد، کجروی و آسیب‌های اجتماعی سوق پیدا می‌کنند. بنابراین، به حکم عقل لازم است همه افراد جامعه با کمک و تعاون با یکدیگر تلاش کنند ضروریات و نیازمندی‌های زندگی را برای یکدیگر تأمین نمایند تا به هدف مطلوب خودشان که همانا داشتن جامعه سالم و به دور از فساد و آسیب است برسند.

### مبانی فلسفی تکافل اجتماعی

تکافل اجتماعی در اسلام با نگاه فلسفی از بنیادی قوی برخوردار است. در این قسمت سعی می‌شود با بیانی کوتاه از منظر فلسفی به موضوع نگریسته شود.

#### فلسفه خلقت

هدف از خلقت این است که انسان به تعبیر فلاسفه «استکمال وجودی» پیدا کند و به مراتب وجودی بالاتر دست یابد. این استکمال و اشتداد در وجود بدون تأمین نیازهای مادی و معنوی آن میسر نیست. تکافل به معنای عام - تأمین نیازهای مادی و روحی - برای آن است که انسان «سیر وجودی و استکمالی» خود را بهتر و سریع‌تر

حاکمیت اسلامی (کوفه) بی‌خانمان، فقیر و بی‌بهره از ضروریات زندگی نبود.

امام حسن مجتبی علیه السلام سالی دوبار اموال خود را بین فقرا تقسیم می‌کرد.

امام زین‌العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام افراد زیادی را تحت تکفل داشتند و به امور آنها رسیدگی می‌کردند، در حالی که بعضی از آنها شیعه هم نبودند؛ صرفاً مسلمان بودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمنان در مورد ترحم و دوستی با یکدیگر چنین‌اند که مانند یک جسد هستند؛ اگر یک عضو از آن جسد مبتلا به مرض شود، کل جسد مبتلا به مرض و بیماری می‌شود. (۱۴)

ایشان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله بخشش افطاری امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به مسکین و یتیم و اسیر، در حالی که فرزندانشان خردسال و گرسنه بودند، چنان عظمت داشت که در قرآن از آن با تجلیل یاد شده و به عنوان سرمشق معرفی شده است. (۱۵)

### سیره مسلمانان

مسلمانان در طول تاریخ (در هر زمان و هر مکان از جامعه اسلامی) بر تعاون، همکاری، همدلی، و حمایت از ضعفا، یاری مظلومان، دادرسی از بیچارگان و حساسیت نسبت به مصالح عمومی جامعه تأکید داشته‌اند.

در برهه‌هایی تاریخی از حاکمیت اسلامی، افرادی وجود داشتند که برای پرداختن زکات مال خود نیازمندی نمی‌یافتند. ظهور گروه‌هایی مثل عیاران و لوطیان در راستای حمایت از افراد ضعیف جامعه شکل گرفته است.

### مبانی عقلی تکافل اجتماعی

تکافل اجتماعی بر مبنای قوی عقلی نیز قرار دارد. به

طی کنند؛ در غیر این صورت، این راه مشکل و یا غیرممکن خواهد شد.

به تعبیر قرآن کریم، هدف از خلقت این است که انسان در سایه عبودیت و بندگی خدا به قرب الی الله برسد ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) و این امر زمانی حاصل خواهد شد که انسان دغدغه معاش نداشته باشد تا با خیالی آسوده در راستای وظیفه اصلی خود که همان بندگی است حرکت کند.

### فلسفه الاجتماع

اگر از منظر فلسفی به جامعه و اجتماع نگاه کنیم، جامعه اصیل است یا فرد؟ سؤال دیگر اینکه سرّ حضور انسان در جامعه چیست؟

گذشته از مناقشات علمی پیرامون سؤال اول، قدر مسلم این است که جامعه از نوعی اصالت فلسفی - حداقل به لحاظ منشأ انتزاع خود - برخوردار است. اگر جامعه اصیل باشد و فرد مجاز، نگاه ما در برنامه‌ریزی اجتماعی متفاوت خواهد شد. به عبارت دیگر، اینجا دو مکتب فکری ظهور پیدا می‌کند: یکی مکتب جمع‌گرا که در برنامه‌ریزی اجتماعی، مصالح کل و جامعه را در نظر می‌گیرد و دیگری مکتب فردگرا، که حقیقت و اصالت را به فرد و فردیت انسان می‌داند و برنامه‌ریزی خود را معطوف به ساحت فردی آن می‌کند. در برنامه‌ریزی اجتماعی، اثبات اصالت جامعه به لحاظ منشر انتزاع کفایت می‌کند.

تکافل اجتماعی ناظر به بعد جمعی انسان و جامعه است. به عبارت دیگر، بر اساس نگاه جمع‌گرایانه و مبتنی بر مکتب جمع‌گرایی می‌باشد که انسان را به عنوان یک جزء بریده از کل و رها شده در اقیانوس نمی‌بیند. ذکر این نکته به طور اجمال لازم است که نظام‌های

متکی بر مکتب فردگرایی برای راهبردهای بیمه‌ای برنامه‌ریزی دارند، ولی هیچ‌گاه برای راهبردهای تکافل برنامه‌ریزی ندارند؛ ضمن اینکه بیمه‌های تأمین اجتماعی آنها با مبانی نظری آن نظام به شدت دچار چالش است، به گونه‌ای که این بحث مباحث زیاد علمی را برانگیخته است. برای نمونه، کتاب تئوری در باب عدالت جان رالز برای پاسخ به حملات و شبهات وارده بر مکتب لیبرالیسم در خصوص همین مسائل است.

نتیجه اینکه راهبردهایی مثل تکافل، تقویت‌کننده بُعد تعاون و همکاری جسمی است. بنابراین، هرگونه راهبردی که تقویت‌کننده بُعد اجتماعی انسان باشد مورد تأیید و تأکید است. در نتیجه، راهبردهایی مثل تکافل و تضامن اجتماعی بسیار مورد سفارش است.

بنابراین، اگر حاکمیت اسلامی بیمه را به عنوان یک راهکار تأمین اجتماعی در نظر دارد، اولاً، باید با کار فرهنگی این ایده را دایم زنده نگه دارد که توکل بر اسباب و وسایل و فراموشی مسبب‌الاسباب با توحید در رازقیت و استعانت منافات پیدا نکنند. ثانیاً، راهکارهای تأمین امنیت روانی و اجتماعی را به سمت و سوی راهکارهای اجتماعی ببرد تا همه افراد را درگیر هم کرده و به نوعی به یکدیگر وابسته نماید نه اینکه وابستگی فرد از جمع (خانوادگی، اقارب و...) کم شده و به دولت وابسته گردد. سؤال دیگر این است که چرا انسان در جامعه حضور می‌یابد؟

سؤال مزبور از قدیم ذهن اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول داشته و در این زمینه، دو پاسخ ارائه داده‌اند: ۱. انسان مدنی بالطبع است. ۲. انسان مدنی بالاضطرار است.

پیش‌فرض جواب اول این است که انسان خود به خود بدون هیچ‌گونه اجبار و اضطراری حضور در جمع را

### منابع تکافل اجتماعی

منظور از منابع ابزارهایی است که در اختیار جامعه اسلامی برای ریشه کن کردن فقر و نابرابری و رفع نابسامانی‌های اجتماعی و ایجاد یک جامعه توسعه یافته و پیشرفته قرار دارد و لازم است برای رسیدن به اهداف تکافل اجتماعی که همان تشکیل جامعه سعادت‌مندانه است به کار گرفته و مدیریت شود.

### انواع ابزارهای مالی

الف. ابزارهایی که در اختیار عموم جامعه است: از جمله این ابزارها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارث (که به ورثه قانونی و شرعی او می‌رسد)؛
۲. زکات فطریه؛
۳. انواع کفارات (درآمدهایی که به خاطر مخالفت کردن با بعضی از احکام شرعی لازم است خود خطاکار بپردازد) که بیش از ده نوع کفاره را شامل می‌شود؛
۴. قربانی (واجب و مستحب)؛
۵. وصیت؛ آن مقدار که شخص از ثلث مال خود می‌تواند برای کارهای عام‌المنفعه و سامان‌دهی امور اجتماعی وصیت کند؛
۶. صدقات مستحبی؛
۷. وقف؛
۸. اعطای قرض الحسنه؛
۹. سفارش و تأکید بر اموری همچون هدیه، هبه، مهمانی دادن و ایثار.

این عناصر سازنده منابعی هستند که در اختیار جامعه اسلامی می‌باشد تا اجتماع را آن‌گونه که شایسته کرامت و خلافت انسانی است بسازد. عناصری همچون وقف یا خدمات پیوسته، در سرنوشت مسلمانان سهم بسزایی داشته است. در کشور ما وقف منشأ خدمات اجتماعی

پذیرفته است، و بودن در جامعه ملایم با طبع اوست. در مقابل، پیش فرض جواب دوم این است که انسان چاره‌ای ندارد جز قبول حیات اجتماعی؛ زیرا در غیر این صورت، نمی‌تواند به تنهایی همه نیازمندی‌های متنوع خود را برطرف کند. پس راز حضور انسان در جامعه این است که جامعه ظرف برآورده‌سازی نیازهای اوست.

هر یک از این دو مبنا را که بپذیریم مؤید این است که تکافل اجتماعی در جامعه نیاز است تا زمینه‌ساز رفع نگرانی و اضطراب فرد باشد.

### تکافل اجتماعی تأمین‌کننده حقوق اجتماعی

گفته شد تکافل اجتماعی به معنای عام آن، همه ابعاد نیازهای انسان را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر، افراد در جامعه حقوقی دارند که باید هم از سوی افراد جامعه و هم از سوی حاکمیت تأمین گردد. در ذیل، به طور فهرست‌وار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱. حق حیات و آنچه که لازمه حیات انسانی است؛ مثل حرمت قتل نفس، حفظ صحت و سلامتی، حمایت ویژه از اطفال و یا حق حیات برای حیوانات؛
۲. حق آزادی؛
۳. حق تعلیم و تعلم؛
۴. حق کرامت انسانی؛
۵. حق تملک.

نکته قابل تذکار و مهم این است که اولاً، این مجموع حقوق به معنای مجموعه حقوق انحصاری در اسلام نیست؛ ثانیاً، بعضی از این حقوق با حقوق مطرح در ادبیات رایج غرب - بخصوص در اعلامیه حقوق بشر - حکماً و موضوعاً تفاوت ماهوی دارد که باید آن را در تفاوت مبانی دو مکتب اسلام و لیبرالیزم جست‌وجو کرد؛ ثالثاً، حقوق دیگری نیز وجود دارند که در اینجا بیان نشده‌اند.<sup>(۱۶)</sup>

مهمی می‌باشد؛ خدماتی نظیر ساخت بیمارستان، مساجد، رفع نیاز فقرا و نیازمندان و حتی برای حفظ حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است. (۱۷)

ب. ابزارهایی که در اختیار حاکمیت اسلامی است. این منابع عبارتند از:

۱. زکات مال (که به مقدار معین و موارد معین تعلق می‌گیرد)؛

۲. خمس (پرداخت به مقدار یک پنجم از موارد مشخص)؛

۳. غنایم جنگی؛

۴. طسق (مالیات بر زمین)؛

۵. مالیات‌های حکومتی؛

۶. سرمایه‌گذاری دولتی؛

۷. فیء؛

۸. انفال؛

۹. اموال مجهول‌المالک و ارث بدون وارث؛

۱۰. معادن (به تمام اقسامش؛ نظیر معدن نفت، گاز و

طلا و...) (۱۸)

### راهبردهای حمایت و کفالت

امروزه تأمین اجتماعی را در قالب دو نظام - و در کشور ما سه نظام - به اجرا درآورده‌اند که عبارت است از:

۱. نظام بیمه‌ای؛

۲. نظام حمایتی؛

۳. نظام امدادی.

برای اجرای آنها چند راهبرد اساسی در نظر گرفته‌اند تا به مقصد برسند:

۱. راهبرد بیمه‌های اجتماعی؛

۲. راهبرد صندوق‌های احتیاط؛

۳. راهبرد مسئولیت کارفرما (برای نظام بیمه‌ای)؛

۴. راهبرد مساعدت اجتماعی؛

۵. راهبرد خدمات اجتماعی (برای نظام حمایتی).

نظام بیمه‌ای افرادی را تحت پوشش و کفالت قرار می‌دهد که شاغل هستند. نظام حمایتی نیز افراد آسیب‌پذیری را که به دلایل مختلف قادر به تأمین معیشت خود و خانواده تحت پوشش نیستند، تحت پوشش قرار می‌دهد؛ نظیر بیکاران، سالمندان، از کارافتادگان و غیره.

راهبرد تأمین اجتماعی در هر دو حوزه، عمدتاً متکی به دولت و کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت است.

در نظام حمایتی دو راهبرد وجود دارد که عبارتند از: راهبرد مساعدت اجتماعی و راهبرد خدمات اجتماعی.

در هر دو مورد، افراد تحت پوشش به وسیله کمک‌های دولتی مورد مساعدت قرار می‌گیرند و تفاوت آن دو در نوع ارائه خدمات داده شده می‌باشد، نه در افراد تحت پوشش.

در زمینه راهبردهای تکافل اجتماعی چند نکته حایز اهمیت است:

۱. منظور از تکافل در اینجا معنای عام خود است که دایره شمول آن وسیع می‌باشد. بر این اساس، حاکمیت اسلامی باید بخشی از درآمدهای خود را بدین منظور اختصاص دهد تا آن هدف مزبور تأمین گردد.

۲. در نظام بیمه‌ای و حمایتی، اصل عدالت بایستی رعایت گردد؛ با این توضیح که عدالت اجتماعی اقتضا دارد همه افراد جامعه به نوعی تحت پوشش خدمات حمایتی و اجتماعی باشند. بنابراین، دولت اسلامی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که «تأمین» به عنوان حقی همگانی و فراگیر شناخته شود و از تحت پوشش قرار دادن یک عده به هر دلیل - مثلاً، بدان دلیل که صرفاً شاغل هستند - به شدت پرهیزد.

۳. در توزیع این حق همگانی باید این نکته رعایت

مجدد ثروت و رفع فقر و تأمین رفاه افراد کمتر برخوردار. برای ایجاد عدالت و برداشتن شکاف طبقاتی باید به سوی توزیع مجدد ثروت برویم که در حقیقت، تأمین اجتماعی طرح اجرایی آن را به ما نشان می‌دهد، همان‌گونه که خط فقر محدوده انسانی - اقتصادی شمول این طرح را تعیین می‌کند. خط فقر شاخصی است برای تعیین دایره‌الرادای که باید تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرند و نیز میزان کمک پرداختی به آنان. خط فقر معمولاً از مؤلفه‌هایی ترکیب می‌یابد که امکان و عدم امکان ادامه حیات را رقم می‌زند. در اینکه ادامه حیات به چه چیزهایی بستگی دارد، اختلاف‌هایی در بین اقتصاددانان وجود دارد، ولی خوراک، پوشاک و مسکن از موارد بدیهی و مسلم بین آنان تلقی می‌گردد. بنابراین، درآمدی که بتواند حداقل میزان لازم خوراک برای زنده ماندن و نیز همین سطح از پوشاک و مسکن را تأمین کند «خط فقر» نامیده می‌شود.

تعیین خط فقر به تعریف فقر وابستگی زیادی دارد. در علم اقتصاد، مبثی بر پیش‌فرض‌ها و مبانی مکاتب گوناگون، از خط فقر تعاریف مختلفی ارائه شده است. اما آنچه می‌توان گفت این است که بر اساس اقتصاد رایج امروز جهان که بر پایه‌های عقاید کینز استوار است، خط فقر حداقل درآمدی است که نیازهای معیشتی یک خانواده متوسط با برخورداری از درآمدی متوسط در بجا هزینه کردن پول، بدون آنکه بدهی‌ای از قبل به عهده‌اش باشد و بدون اعتیاد به هرگونه مواد الکلی و دخانیات و بدون ابتلا به هرگونه بیماری را بتواند تأمین کند. اما بر اساس مبانی اقتصاد اسلامی، می‌توانیم از فقر و فقیر و خط فقر چنین تعریفی ارائه دهیم: فقر میزانی از درآمد است که خانوار را قادر به تأمین مخارج سالانه خود نسازد. این مخارج به صورت نسبی سنجیده شده و ملاک

شود که بین دریاالت و پرداخت حق بیمه، فاصله زیاد نباشد. (در حال حاضر در کشور ما نسبت ۶ به ۱ است که فاصله بسیار زیادی است.)

۴. عدالت اقتضا می‌کند حاکمیت اسلامی در تخصیص منابع، نگاهی هم به آینده و نسل‌های بعدی داشته باشد تا سهم آیندگان از منابع ملی محفوظ بماند.

۵. دولت باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که راهبردهای حمایتی در حوزه‌های مختلف خدمات اجتماعی به سوی خدمات مردمی هدایت شود. به عبارت دیگر، سهم مردم و وظایف آنها به نحو برنامه‌ریزی شده و سامان‌دهی شده با هدایت و کمک دولت در راهبردهای حمایتی افزوده شود. برای نمونه، خانواده، مسئول کفالت اعضای خود است و در این زمینه مسئولیت اجتماعی دارد. حال اگر پدر پیری در خانه باشد و فرزندان او توانایی اداره‌ی وی را داشته باشند، باید او را تحت کفالت بگیرند و در این زمینه دولت نباید دخالت کند (در صورت تحت تکفل قرار دادن آن فرد، هزینه لازم را از فرزندان بگیرد). فعال کردن و انگیزه دادن به مردم برای حمایت از محرومان، یکی دیگر از این موارد است. برای مثال، کسی که یتیمی را تحت کفالت بگیرد، دولت به طور مستقیم یا غیرمستقیم او را مورد تشویق قرار دهد. تشویق صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌تواند از جمله تشویق تأیید راهبردهای مردمی باشد.

۵. شرکت‌های تضامنی اجتماعی (= ضمان جریره؛ یعنی آن دسته از پیمان‌هایی که افراد با یکدیگر می‌بستند تا هنگام نیاز همدیگر را حمایت کنند) از جمله راهبردهایی است که با حمایت دولت می‌تواند راهگشا باشد.

#### تکافل اجتماعی و کاهش فقر

تکافل و تأمین اجتماعی راهبردهایی هستند برای توزیع

آن رفاهی است که متعارف شهروندانی که در شرایط مشابه سرپرست خانواده به سر می‌برند، از آن بهره‌مندند. خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، بهداشت و درمان، تحصیلات، وسیله سواری، لوازم منزل، سفرهای زیارتی، پذیرایی‌ها و هدایای خانوادگی، سرمایه و وسایل کار، خدمتکار و... (در حد متعارف شرایط مشابه خانوار) از جمله آنهاست.

فقیر کسی است که در مملکتش و در محدوده رفاهی که بر آن حاکم است، دسترسی به سطح زندگانی که او را قادر به برآورده شدن نیازهای اولیه و تکمیلی خود سازد نداشته باشد. به عبارت دیگر، فقیر کسی است که در حدی از رفاه زندگی می‌کند که شکافی عمیق با سطح زندگی ثروتمندان جامعه، میانشان فاصله انداخته است. در برابر فقیر، غنی و ثروتمند قرار دارد که با چنین شکافی روبه‌رو نیست و ارضای نیازهای ضروری و تکمیلی، در چارچوب میزان رفاه جامعه‌اش و میزان پیشرفت اقتصادی آن، بر او دشوار نیست، اعم از آنکه ثروتی هنگفت داشته باشد یا نه.

خط فقر در مکتب اقتصادی اسلام، میزان رفاهی است که یک زندگی عادی (متوسط) در هر اجتماعی از آن برخوردار است.

نتیجه‌ای که در این بحث می‌گیریم، آن است که تعیین خط فقر در اسلام، بر اساس مکتب اقتصاد سرمایه‌داری هرگز به معنای تأمین حداقل نیازها و برای گذران زندگی (بخور و نمیر) نیست، بلکه به معنای تأمین همه نیازها - ضروری و غیرضروری - یک انسان به منظور تأمین زندگی سعادت‌مندان برای تقرب به پروردگار است.<sup>(۱۹)</sup>

در پایان این بحث بجاست تکمله‌ای راجع به راهکار عملی رفع فقر بیان شود. در خصوص مشکل فقر دو نوع زکات واجب شده است: ۱. زکات رسمی؛ ۲. زکات غیررسمی.

زکات رسمی همان است که در شرع مقدس مقدار آن مشخص شده است. منظور از زکات غیررسمی نیز آن است که تا آنجا که یک مسلمان محتاج است نباید از هرگونه وسیله و امکانات مورد نیاز او دریغ کرد. آیه شریفه «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (مارج: ۲۴ و ۲۵) به همین مطلب تفسیر شده است. امام صادق ۷ فرمودند: حَقٌّ معلوم در آیه شریفه، مراد زکاتی نیست که از مال خودت خارج می‌کنی، بلکه آن چیزی است که هر هفته یا هر ماه خودت بر خودت واجب کردی که به اندازهٔ وسع و توانت برای فقرا بپردازی.<sup>(۲۰)</sup>

#### عمومیت تکافل اجتماعی

افراد تحت حمایت تکافل اجتماعی همه شهروندان حکومت اسلامی هستند، اعم از مسلمان و غیرمسلمانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند. سیره و سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین مبانی فقهی، گواه این معناست. در این مقام، نمونه‌ای از آن را که در حکومت امیرالمؤمنین ﷺ اتفاق افتاد نقل می‌کنیم: روزی آن حضرت شخصی را در حال تکدی‌گری مشاهده می‌کنند و با تعجب سؤال می‌کنند: این چه وضعی است؟ اطرافیان در جواب می‌گویند: این شخص یک نصرانی است که به خاطر پیری و عجز از کار گدایی می‌کند. امیرالمؤمنین ﷺ با ناراحتی می‌فرماید: تا زمانی که جوان بود از او کار کشیدند، حال که پیر و ناتوان شده او را رها کردید؟! از این‌رو، حضرت دستور حکومتی دادند و فرمودند: از بیت‌المال مسلمانان آن قدر به او پرداخت کنید تا بی‌نیاز گردد.<sup>(۲۱)</sup>

## نتیجه‌گیری

با بررسی در آموزه‌های دینی، چنین می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. هدف اساسی و اصلی اسلام از برنامه‌های اجتماعی، زمینه‌سازی و ایجاد بستری برای رشد و تعالی همه افراد جامعه به سوی کمال و سعادت حقیقی - که همان قرب الی‌الله است - می‌باشد.

۲. حیات طیبه و سعادت‌مند زمانی به وقوع خواهد پیوست که تمام نیازهای مادی و معنوی انسان فراهم شده باشد تا انسان بدون دغدغه خاطر زندگی نماید. انسانی که دغدغه تأمین معاش خود را دارد نمی‌تواند در تدارک اصلاح معاد خود باشد.

۳. دین اسلام برای تأمین این هدف عالی، راهکارهای مناسبی در نظر گرفته است که با اجرای آنها سعادت همه شهروندان حکومت اسلامی تأمین خواهد شد، حتی اگر غیرمسلمان باشند.

۴. در بستر حیات طیبه فقط نیازهای ضروری افراد تأمین نمی‌شود، بلکه حتی نیازهای غیر ضروری - مانند عطر لباس - تأمین خواهد شد. نه تنها تعمق در مبانی دینی گویای این واقعیت است که راهبردهای دینی کارساز و عملیاتی است بلکه تجربه تاریخی جهان اسلام نیز گویای این حقیقت می‌باشد.

۵. برای رفع فقر، راهکارهای چندی در نظر گرفته شده است: الف. مسئولیت حاکم جامعه؛ ب. مسئولیت افراد برخوردار؛ ج. مسئولیت حکومت اسلامی از طریق جمع‌آوری زکات، خمس و انفال و....

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدرضا حکیمی و دیگران، *الحیاء*، ج ۴، ص ۳۰۰.
- ۲- محمدجواد زاهدی اصل، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، ص ۲.
- ۳- همان، ص ۱.
- ۴- محمدجواد زاهدی اصل، *مبانی رفاه اجتماعی*، ص ۱۶.
- ۵- ناصح علوان، *التکافل الاجتماعي فی الاسلام*، ص ۱۵.
- ۶- محمدجواد زاهدی اصل، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، ص ۸۶.
- ۷- مصطفی السباعی، *التکافل الاجتماعي فی الاسلام*، ص ۱۷۵.
- ۸- حسن حاج حسینی، *عدالت اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین و سه تن از اندیشمندان اجتماعی*، ص ۲۱۲.
- ۹- مصطفی السباعی، *التکامل الاجتماعي فی الاسلام*، ص ۱۵۱.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- مانده: ۲.
- ۱۴- مصطفی السباعی، *التکامل الاجتماعي فی الاسلام*، ص ۱۵۱.
- ۱۵- انسان: ۸.
- ۱۶- ابن حقوق را که برشمردیم عمدتاً در حقوق اساسی و بخصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است و برای تبیین نسبت آن با مبانی دینی مناسب است به کتاب *نظریه حقوقی اسلام* استاد مصباح (ج ۱) و کتاب *اسلام و حقوق بشر آیت‌الله جوادی آملی* مراجعه نمایید.
- ۱۷- ر.ک: مصطفی زمانی، *اسلام و خدمات اجتماعی*، ص ۱۰۹ / محمدجواد زاهدی اصل، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، ص ۱.
- ۱۸- بعضی از کتاب‌ها مانند *تکافل اجتماعی در اسلام* نوشته مصطفی السباعی، صفحات ۱۸۹-۲۱۳، ۲۹ مورد منبع درآمد را ذکر کرده‌اند.
- ۱۹- ر.ک: مرتضی صاحب‌فصول، *شکاف طبقاتی، توزیع مجدد ثروت و رفیافت‌های قرآنی*، ج ۴، ص ۲۰۴.
- ۲۰- محمدرضا حکیمی و دیگران، *الحیاء*، ج ۴، ص ۴۶۷.
- ۲۱- محمد محمدی ری‌شهری، *موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب*، ج ۴، ص ۲۰۴.

منابع .....

- السباعی، مصطفی، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۹.

- حسن حاج حسینی، عدالت اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) و سه تن از اندیشمندان اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.

- زاهدی اصل، محمدجواد، مبانی رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱.

- زاهدی اصل، محمدجواد، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.

- زمانی، مصطفی، اسلام و خدمات اجتماعی، قم، پیام آزادی، ۱۳۴۸.

- صاحب فصول، مرتضی، شکاف طبقاتی، توزیع مجدد ثروت و رهیافت‌های قرآنی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

- محمدی ری شهری، محمد، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۲.

- ناصح، علوان، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۹ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی